

رهبر حکیم انقلاب اسلامی در پیام نوروزی سال ۹۷ شان خطاب به آحاد مردم و مسؤولان، مساله اصلی کشور را «اقتصاد و معیشت مردم» دانستند و با محور قرار دادن «تولید ملی» برای حل این مساله، شعار و نام سال ۹۷ را «حمایت از کالای ایرانی» اعلام کردند. در مطلب زیر به بررسی موانع تحقق شعار سال یعنی «حمایت از کالای ایرانی» و راه‌حل برطرف کردن این موانع پرداخته می‌شود.

■ **مشکل کجاست؟**

شبهه ۲ گونه است؛ هم علمی و عملی، در شبهه علمی، مخاطب نسبت به درستی یک مدعا تردید دارد، باور نایافته و اقیاع نشده است اما در شبهه عملی، اوبه آنچه در منطق ونظر پذیرفت، پایبندی نشان نمی‌دهد و با عذرهایی، بهاصطلاح از بار مسؤولیت شانه خالی می‌کند و در عمل التزام ندارد؛ همچون کسی که با علم به مضرات دخلیات، نمی‌تواند در مقابل تعارف دوستسان یا عادت دیرینه خود یا هر دلیل دیگری، مقاومت کند و سیگار نکشد. این رفتار در سطح اجتماعی نیز بسیار بروز می‌کند، مثلاً خدانود انکار افرایان فرعون را هم‌زمان با یقین به حقانیت فرستاده الهی، نتیجه‌میل به برتری طلبی و ظلم آنها می‌شمارد (نمل/۱۴). در بیان ژورنالیستی و کلاسیک از اقتصاد، انسان فقط به نفع

مادی خود نگاه می‌کند و جز این نباید انتظار داشت. چنین اندیشه‌ای در ذهن تولیدکننده، به تولید یا واردات هر محصول که بیشترین سود را دارد می‌انجامد و در ذهن مصرف‌کننده، به رفتار حداکثرسازی منفعت

از طریق انتخاب کالاها با کمترین هزینه و بیشترین کیفیت. تبیین سال‌های اخیر پیرامون نتایج حمایت از کالای ایرانی، جامعه امروز ما را به سطحی از رشد رسانده که شبهه علمی اندکی در باب آن دارد. کمتر انسان اهل مطالعه و انصافی است که تردید داشته باشد حمایت از کالای ساخت داخل، به نفع رونق کارگاه‌های نیمه‌تعمیل و اشتغال کارگران بیکار ایرانی و کاهش وابستگی به بیرون است اما تعداد خانواده‌هایی که واقعا مطابق این باور، عمل کنند به‌قدر کافی زیاد و فراگیر نیست تا این باور به مؤلفه رفتار جمعی ایرانیان تبدیل شده باشد. اگر این گزاره درست باشد، آنچه بایدوجه همت سیاست‌گذاران قرار گیرد، رفع موانع عملی است. تکرار استدلال علمی و ساختن محصولات رسانه‌ای اگر بر آید و انگیزه اثر گذار نشود، گره‌گشا نخواهد بود و نسخه علاج نداشتن، برای درمان نخواستن به کار نمی‌آید. البته باید دانست که یک

دارند، این عبارات به طنز می‌ماند؛ آخرین نمونه‌اش، حمایت هفته گذشته دولت آمریکا از فولاد آن کشور و در نتیجه محدود کردن واردات فولاد است. در بیان ژورنالیستی و کلاسیک از اقتصاد، انسان فقط به نفع مادی خود نگاه می‌کند و جز این نباید انتظار داشت. چنین اندیشه‌ای در ذهن تولیدکننده، به تولید یا واردات هر محصول که بیشترین سود را دارد می‌انجامد و در ذهن مصرف‌کننده، به رفتار حداکثرسازی منفعت از طریق انتخاب کالاها با کمترین هزینه و بیشترین کیفیت. از آنجا که تحقق چنین ماشین حساب بی‌روحي، به زیر پا گذاشتن مصالح جامعه به بهانه منافع فردی می‌انجامید و جامعه‌ای درخوار و گسیختنی در پی داشت، از دهه‌ها قبل در مهد اقتصاد مدرن نیز به تصحیح این انگاره همت گماشتند. این تصحیح با ۲ اهرم دنبال شد:

– «هرم فرهنگی» که ارزش‌های اخلاقی یا ملی گرا یانه را در منطق تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، ارجمند و محترم می‌ساخت و الگوهایی اخلاقی از شرکت‌ها یا خانواده‌ها یا نخبگان وفادار به منافع ملی را پیش چشم مردمان، بزرگ می‌راست؛ چانگ از اقتصاددانان کراهی ساکن آمریکا در کتاب خود به‌خائن پنداشتن خریداران کالا‌های خارجی نزد مردم کره در دهه‌های قبل اشاره می‌کند. تزریق حس افتخار برای عبارت «ساخت کشورم» یا شعارهای رئیس‌جمهور فعلی آمریکا در خرید محصولات آمریکایی و هزاران برنامه دیگر، در همین راستاست.

– «هرم حقوقی» که تولیدکنندگان با درجه بالای محتوای بومی (Local Content) را از تشویق‌ها و حمایت‌های قانونی بهره‌مند می‌ساخت یا مصرف‌کنندگان کالا‌های خارجی یا لوکس را با نرخ‌های مالیاتی بالاتر، مورد حمله قرار می‌داد. بر خلاف شعار آزادی مصرف‌کننده، تمام اقتصاد‌های پیشرفته، قوانین سخت‌گیرانه‌ای برای مصرف خارج از الگوی انرژی و سایر کالا‌های راهبردی وضع کردند تا اگر قیمت‌های صرفاً بازاری موجب بازاردنگی رفتار مردم نیست، این قوانین و قیمت‌های مالیاتی سبب حفظ منافع ملی شود.

واقعیت آن است که طبقه فرامتوسط شهری در کشور ما، به شکل افراطی توسط وپروس «انسان صرفاً اقتصادی» آلوده شده‌اند و گمان می‌کنند اگر در جایی نفع ملی ایرانیان با پرداخت درصدی بیشتر برای پوشاک وطنی یا اندکی کیفیت کمتر برای لوازم خانگی داخلی حفظ می‌شود، نباید برای آن‌دست اهداف، هزینه‌ای از جیب بپردازد. در این میان البته یک مصداق همیشه آ‌زاردهنده و توجیه‌کننده وجود دارد و آن صنعت خودرو است. انصافاً در این‌باره باید حق را به مصرف‌کننده داد و دولت‌های ناظر بر تولیدکننده را به سرعت و جدیت، مواخذه و مأمور رفع این نقصان کرد. در گفت‌وگوهای عمومی جامعه ما، مصداق خاص خودرو، به عامل توجیه سرکشی از ایده حمایت از کالای ایرانی می‌ماند. تولید ملی ربط و ارتباط تبدیل شده است و درنتیجه، مخاطب عام با وجود علم به منافع خرید کالای ایرانی، در عمل حاضر به پرداخت هیچ هزینه‌ای برای منافع اجتماعی نیست. البته اقلیت دیگری نیز وجود دارند که حاضر به پرداخت هزینه نیستند اما نه به‌سبب رسوخ ایده انسان اقتصادی محض، بلکه به‌جهت نفوذ وپروس و توهم ملحق شدن به طبقات بالا با معیار مصرف کالای خارجی و لوکس (به‌اصطلاح خرید اجناس برند). این گروه، حتی حاضر به رفتارهای ضد انسان اقتصادی و غیرعقلایی هستند (پرداخت چند برابر هزینه برای رفع نیاز مشابه و کالای تقریباً مشابه). گره خوردن منزلت اجتماعی با مصرف کالا‌های ویژه، می‌تواند مانع عملی دیگری در مسیر ایده حمایت از کالای ایرانی شمرده شود.

■ **مانع عینی**

مانع عینی که با تاریخ اقتصاد غرب و عملکرد واقعی امروز آن آشنایی

راه‌حل برطرف کردن موانع تحقق شعار سال ۹۷ چیست؟

مانع ذهنی و عینی پیش‌پای کالای ایرانی

■ **دکتر سیداحسان خاندوزی***

فعالیت غیرمولد از حاشیه سود بالاتر یا مساوی با فعالیت پرزحمت تولید برخوردار باشد، اساساً رونق به تولید کالای ایرانی باز نخواهد گشت. شفافیت این دست درآمدهای سفته‌بازانه و اخذ مالیات‌های گزنده از آنها می‌تواند جریان وجوه و سرمایه انسانی را به تولید محصولات ایرانی سوق دهد. به یک معنا هر حمایت دولتی، معنایی جز ایجاد رانت یا سپر برای برخی فعالان اقتصادی ندارد اما چگونه می‌توان در قبال این حمایت، منافع ملی بزرگ‌تری را نصیب اقتصاد کرد؟ یا چه معیارهایی در عملکرد باید اجازه داد از بین چند شرکت، تنها «الف» و «ب» با حمایت دولتی، موفق‌تر شوند؟ آسیب‌شناسی سسال‌ها حمایت غیربهره‌مند از برخی صنایع چه درس‌هایی برای ما دارد؟ پاسخ به این پرسش، بخش مهم پسته‌ای است که باید دولت در راستای حمایت از کالای ایرانی تدوین کند. قاعده کشور‌های موفق، می‌گوید برای نظارت‌پذیر بودن و رانت‌جویی کمتر در حمایت‌های خاص دولت، باید ضمن شفافیت، زمانمند بودن و مشروط به عملکرد بودن حمایت‌ها، تمرکز را تنها بر موفق‌ترین تولیدکنندگان قرار داد که قابلیت رشد، مواخذه و پاسخ‌گویی بیشتری دارند. نیازی به توضیح ندارد که مختصات موقعیت اکنون ما، فاصله‌ای معنادر با اصول فوق دارد: نه اجماعی برای سیاست صنعتی شکل گرفته، نه دولت‌ها حمایت علم خود را برای کم‌هزینه ساختن تولید و رفع فساد بخوبی محقق می‌کنند، نه حاشیه سود فعالیت‌های سودگراانه به حداقل رسیده است و نه حمایت خاص دولت‌ها از صنایع منتخب، به شکل رشد کیفیتی و کاهش هزینه تمام‌شده نمایانگر شده است. اگر این مانع عینی، مدنظر سیاست‌گذار قرار نگیرد، احساس جامعه از شعار «حمایت از کالای ایرانی»، مهربانی یک‌طرفه از سوی خریدار و بی‌مهری و بی‌صدقتی از سوی دولت و تولیدکننده است. اینگونه است که باز هم مردم به‌رغم علم به منافع تولید کالای وطنی، در عمل پای چنین توافقی کسبویه‌ای نمی‌روند. اکثریت مردم زمانی هزینه‌های دوره گذار را می‌پردازند که بدانند این هزینه‌ها همواره تداوم نخواهد داشت و تولیدکنندگانی که از این حمایت‌ها منتفع می‌شوند نیز در آینده، محصولی با کیفیت و قیمت قابل رقابت ارائه خواهند داد.

■ **جمع‌بندی**

اکثر طبقات جامعه ما شبهه علمی درباره نتایج حمایت از کالای داخلی ندارند اما شبهه عملی جدی در فضای تولید، مردم را از حمایت از کالای ایرانی دور ساخته است. این شبهه علمی، مانع حقیقی حمایت از کالای ایرانی است که در نقطه پایانی خط تولید و خاتمه شبکه فروش و مصرف قرار دارد که برای رفع آن لازم است از نهادهای تولید یا به عبارتی از نیروی کار و سرمایه‌گذار ایرانی حمایت شود؛ یعنی مطالبه‌ای است برای به حداقل رساندن «هزینه تمام‌شده کالای ایرانی». به حداقل رساندن «هزینه تمام‌شده» نیز به معنای بهره‌وری، بهبود سطح فناوری و کیفیت، کم‌هتاج بودن محیط کسب‌وکار، حذف قاچاق، کم‌هزینه بودن نظام فروش و توزیع و ناچیز بودن فساد اقتصادی است. همچنین این شعار مستلزم ثبات بلندمدت قیمت مواد اولیه، متغیرهای اقتصاد کلان و چارچوب‌های نهادهی بلندمدت‌تری برای تضمین حقوق مالکیت، قراردادهای مستحکم و ثبات راهبرد حمایتی کشور طی دولت‌ها و مجالس متفاوت است و این مقدمات یعنی چشم به مرحله بالاتر از توسعه و پیشرفت. با این نگاه، حمایت از کالای ایرانی شعاری است که اگر قرار باشد به‌طور کامل محقق شود، بسیاری از مطلوب‌های اقتصاد مقاوم نیز پیش از آن محقق شده‌اند. نام آن، نام جمله سال‌های قبل را با خود حمل می‌کند.

***استاد یار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی**
منبع: khamenei.ir

معدل تیراژ را در هر واحد کتاب ۲۰۰۰ بگیریم، در دوران زعامت آیت‌الله بروجردی، جمعاً ۳۴۶۰۰۰ جلد کتاب از طرف حوزه علمیه قم در دسترس عموم قرار گرفته است. مجموع انتشارات فوق که فهرست آنها به دست ما رسیده است، بالغ بر یک‌هزار و ۱۸ عنوان کتاب می‌شود و این کتاب‌ها به اضافه کتب متفرقه‌ای که خود مولفان به صورت انفرادی چاپ کرده‌اند و تعداد انتشاراتی که فهرست آنها به دست ما نرسیده است و تقریباً ۲۰۰ عنوان کتاب می‌شود، مجموعه ۱۲۰۰۰ عنوان کتاب می‌شد و این رقم با احتساب ۵۰۰۰ نسخه برای هر کتاب که حداقل تیراژ است به رقم ۶ میلیون نسخه سر می‌زند که رقم قابل توجهی است. با درگشتش آیت‌الله بروجردی، وضعیت مرجعیت در ایران دگرگون شد و نسل تازه‌ای از علما میدان یافتند. آنان ضرورت‌های تازه‌ای را در برخورد با مصالح دینی و سیاسی کشور مطرح کردند و به وفای دین و سیاست نگاه جدی داشتند. به ویژه آنکه در این زمان، نگرانی‌های اساسی درباره صیانت از بنیادهای حوزه علمیه‌قم نیز مرتفع شده و اقداماتی عمومی‌تر برای گسترش و تبلیغ مسائل دینی، در مقابل فعالیت‌های تجددطلبانه رژیم شاه مورد توجه جدی قرار گرفت. در حقیقت می‌توان گفت آیت‌الله بروجردی نسلی را تربیت کرد که با دریافت صحیح از مقتضیات زمان توانان در ۲ مسیر تئوری‌پردازی و انقلابی‌گری نقش مهمی ایفا کردند. گروهی از شاگردان ایشان بنیادهای تئوریک نیروهای مسلمان و شیعه را در تقابل با ایدئولوژی‌های رقیب از جمله مارکسیسم و ناسیونالیسم و لیبرالیسم طراحی کردند و عده‌ای دیگر با ابتنا بر این تلاش تئوریک، اقدام مهمی در رویکرد سیاسی روحانیت و پرچم‌داری مبارزه با حکومت پهلوی انجام دادند و انقلاب اسلامی را در ۳ حوزه تدوین تئوری، دگرگون‌سازی نظام سیاسی و مدیریت انقلاب و حرکت بر آمده از انقلاب اسلامی تغذیه کردند.

منابع

۱- عقیقی بخشایشی، یکصد سال مبارزه روحانیت شرق، قم، دفتر نشر نوید اسلام، جلد ۴، ص ۱۰۶.

۲- سقوط، مجموعه مقالات نخستین همایش بررسی علل فروپاشی سلطنت پهلوی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، صص ۴۹-۴۴.

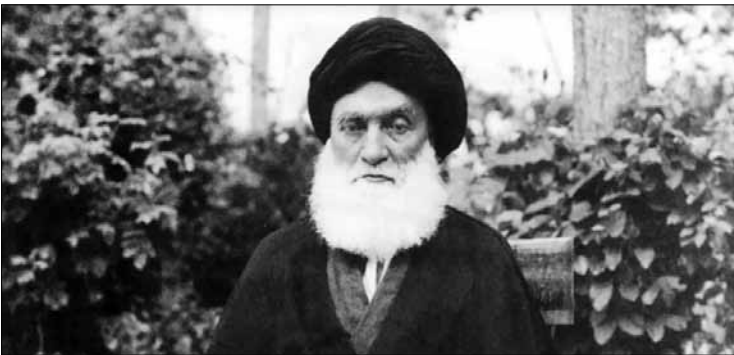
زیرسازی و تنها با اهرم فرهنگسازی و مشوق‌های حقوقی، امکان هدایت همه رانندگان به جاده کالای ایرانی وجود دارد. جاده باید خود، حائز شرایط عینی باشد، اگر نه رانندگان در بلندمدت به هوای کار فرهنگی یا معافیت از عوارض، جاده پرخطر را بر کم‌خطر یا جاده بدون جذابیت و امکانات را بر مسیر جذاب برنمی‌گزینند. دستورات و امور اعتباری، اگر پایه در امر حقیقی نداشته باشند، محکوم به شکستند؛ این همان اصل مهمی است که شهید مطهری درباره لزوم تبعیت اقتصاد برنمائی از اقتصاد واقعی ذکر می‌کنند. حال در موضوع حمایت از کالای داخلی، آن مانع عینی کدام است؟ به نظر می‌رسد «کیفیت» و «هزینه تمام‌شده» کالای ایرانی برای مصرف‌کننده مردم جامعه را می‌توان سال‌ها با اهرم‌های فرهنگی و حقوقی به حمایت از کالاهای وطنی ترغیب کرد اما در بلندمدت، کالای تولید داخل باید بتواند به‌تنهایی از حیثیت خویش دفاع کند. کالای باکیفیتی که هزینه تمام‌شده قابل هماوردی با سایر رقبیان دارد، حتی با ضعف اهرم فرهنگی و حقوقی نیز خواهد توانست موقعیت خویش را در بازار داخل و حتی خارج اثبات کند. به بیان دیگر، بند یک تدابیر دوره گذار محسوب می‌شود تا زمانی که کیفیت و هزینه تمام‌شده کالاها به سطح قابل رقابت برسد و آن موعد باید برای جامعه روشن و منتظره باشد. نتیجه آن خواهد شد که وضع مطلوب برای نظام اقتصادی وقتی است که کالا‌های سرمایه‌ای و مصرفی کلیدی ما چنان مختصات کیفی و قیمتی داشته باشند که حتی انسان محض اقتصادی نیز نفع خود را در خرید کالای ایرانی ببیند اما زنه‌ار که هیچ کشوری بدون طی بند یک و سال‌ها همراهی و هزینه پرداختن دولت و ملت، به مرزهای بهترین محصولات نرسیده است. هیچ‌گاه اولین خودروها و محصولات مخایراتی آلمانی، محصولات دیجیتالی ژاپنی و کراهی و امثالهم، بهترین‌ها نبودند اما با تدابیر عینی و ذهنی، طی دوره‌ای خود را به مرز رقابت خارجی رساندند. با این رویکرد، مهم‌ترین دستور کار شعار اسمال برای سیاست‌گذاران، ارائه بسته‌ای از تمهیداتی است که ظرف مثلاً ۲ برنامه توسعه، کالا‌های ایرانی منتخب و مزیت‌دار را به کیفیت و هزینه تمام‌شده قابل رقابت برسانند و البته در این دوره نیز از پشتیبانی مردم نسبت به این هدف ملی و دینی مطمئن باشد.

■ **لوازم رفاه مانع عینی**

در این دستور کار توجه به چند نکته حائز اهمیت است: اتحاد یک سیاست صنعتی (رشته‌فعالیت‌های مزیت‌دار) یا راهبردی (کشور) که مورد اجماع نظر تمام دولت و همچنین مجلس باشد و در دوره میان‌مدت از ثبات حمایتی برخوردار باشد، ضرورتی است که ۳۰۰۰ تولید اخیر طی ۱۵ سال گذشته به آن ورود کرده‌اند اما هیچ‌گاه آن را به سرانجام نرساندند. قاعده منابع محدود به ما می‌گوید امکان حمایت مؤثر و تمرکز هم‌زمان بر صدها محصول صنعتی یا کشاورزی یا بخش‌های متنوع خدمات (از گردشگری تا پزشکی و…) هیچ‌گاه میسر نخواهد بود. پخش منابع بین همه، یعنی به کمال نرسیدن هیچ‌کدام، درباره تولیدکنندگان محصولات ایرانی باید میان «حمایت عام دولت» که به معنای محیط کسب‌وکار کم‌هتاج کم‌هزینه، تسهیل دیوان‌سالاری‌ها و مجوزها، کاهش فساد و ثبات اقتصاد کلان (تورم، نرخ ارز، نرخ سود و…) است با «حمایت خاص دولت» که باید تنها و تنها نصیب بنگاه‌های با عملکرد تولیدی و صادراتی برجسته و بهره‌ور در رشته فعالیت‌های مزیت‌دار یا راهبردی شود، تمایز قائل شد. مانند وضع معافیت‌های مالیاتی یا دیوارهای تعرفه‌ای موقت، اعطای یارانه سود تسهیلاتی یا یارانه فروش در نمایشگاه‌های خارجی و اعتبار صادراتی و امثالهم. حمایت‌های عام دولت از تولید کالای ایرانی، زمانی به ثمر خواهد نشست که اساساً صاحبان فن و سرمایه، مسیر تولید را برای اثرنمند شدن خویش، انتخاب کنند. به بیان دیگر چنانچه

نقش آیت‌الله بروجردی در تجدید حیات فکری روحانیت شیعه

جریان اصلی روحانیت اگرچه طرفدار عدم دخالت در امور سیاسی بود و در این زمینه تا آنجا پیش رفت که سال ۲۸ نشست برای ممنوع کردن مداخله علما در مسائل سیاسی تشکیل داد، لیکن وسعت نظر و خدمت‌نوین وی در امور آموزشی و مذهبی را نباید نادیده گرفت. دوران زعامت آیت‌الله بروجردی با شکوفایی حوزه همراه بود. وی در رشته فقه، مکتب جدیدی به‌وجود آورده بود که از آثار و از حوزه‌های فقهی مشهور فراتر می‌رود اما قابلیت‌های او در زمینه مدیریت و مسائل



نالی نیز به همین اندازه اهمیت داشت. به منظور کمک به حوزه، برای اولین بار یک دفتر مرکزی برای جمع‌آوری کمک از اطراف و کناف کشور تشکیل شد و بر آورد می‌شود در سال ۴۰ هاشم ۵ میلیون ریال به قم می‌رسیده است. این عواید امکان ایجاد بناهای جدید را در قم (مثل مسجد اعظم که در جوار حرم حضرت معصومه‌ع) به دستور آیت‌الله بروجردی ساخته شد) و شهرهای دیگر فراهم کرد و به افزایش عمده طلاب حوزه که در زمان رحلت آیت‌الله بروجردی به ۶ هزار نفر می‌رسید نیز کمک کرد. آیت‌الله بروجردی وسعت‌نظر فوق‌العاده‌ای داشت، وی از مدارس جدید که در آنها علوم طبیعی همراه با تعلیمات

انجام دهند. به همین دلیل نیز به موضع واکنشی رو آوردند. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۲۲، تحولات ساختاری مهمی در ایران شکل گرفت. رژیم شاه به صورت دست‌نشانده دولت آمریکا در آمد و سیاست‌گذاری دولت روز به روز متمرکزتر تر شخصی‌تر شد. دستگاه سرکوب (سلاوک، پلیس، ژاندارمری، نیروهای مسلح و بازرسی شاهنشاهی) به عنوان کارآمدترین ابزار توسعه خودمختاری دولت، به ستون عمده نگاه‌ارنده رژیم شاه مبدل شد. گروه‌های عمده مخالف، آن چنان تضعیف شدند

که هیچ مجرای نهادی برای اعمال نفوذ مؤثر بر دولت باقی نماند. شاه از یکسوا، در مقابل حامی خود، آمریکا کمترین استقلال را نداشت و از سوی دیگر در داخل، ارگان‌های دولتی در برابر وی هیچ اقتدار مستقلی نداشتند. دولت، اتحاد با طبقه بالای سنتی را، ولسو از راه اکراره، حفظ کرد و در عین حال کوشید تا برخورد در مقابل این طبقه و همه گروه‌های طبقه می‌دهم‌های را بیفزاید. با این همه، شاه هیچ‌گونه اقدامی که به منزله مخالفت آشکار با اسلام یا دهن‌کجی به علما یا توهین به مقدسات دینی و ارج نهادن به ارزش‌های غربی باشد، انجام نداد. حتی پس

از کودتا کوشید روابط بین دولت و جریان اصلی روحانیت را- که به خاطر اختلاف‌هایش با گروه‌های عمده جناح مخالف و تضعیف تدریجی پایگاه پشتیبانی آن بر اثر اقدامات فرگیرایانه، از سیاست کنار کشیده بود- بهبود بخشد و آیت‌الله کاشانی و فدائیان اسلام را منزوی و سرکوب کند. مهم‌ترین زست او در مقابل جریان اصلی روحانیت، همکاری ضمنی او در مبارزه علیه بهایی‌ها در سال ۲۴ بود. شاه نام‌ای مودت‌آمیز با روحانیان بر چسhte رد و بدل کرد. رهبران آنها هم نمایندگان‌ی نزد او فرستادند و وی برخی اصلاحات آموزشی مورد پسند روحانیت را اجرا کرد. آیت‌الله بروجردی به عنوان برجسته‌ترین نماینده

آیت‌الله العظمی سیدحسین بروجردی، مسیر حرکت مرجع سلف خود، شیخ عبدالکریم خاّری را ادامه داد و در این زمینه حتی با سرعت بیشتر و گسترده‌تر عمل کرد. تاکیدات مکرر این مرجع خردمند بر عدم ورود طلاب و روحانیون در عرصه‌های سیاسی، نباید مورخان و تحلیلگران تاریخ معاصر ایران را از اهمیت نقش سیاسی ایشان غافل کند، زیرا در همین زمان بود که حوزه علمیه قم، شکل نهایی سیستم و قدرت مستقل اقتصادی و فرهنگی عظیم خود را به دست آورد و روابط سیستماتیک اجتماعی خود را در ارتباط با دورافتاده‌ترین مناطق کشور تجدید و تقویت کرد. آیت‌الله‌العظمی بروجردی، خصلتا مرجعی غیرسیاسی بود و از این نظر، روش سلف فقید خود را دنبال می‌کرد. او خدمات چشمگیر و بسیار مهمی انجام داد که در واقع بزرگ‌ترین سنگ بنای حرکت سیاسی و اقتدار روحانیت شیعه در ایران محسوب می‌شده در زمانی که این مرجع بزرگ در قید حیات بود، همگان بر این نکته مسلم و مهم اتفاق نظر داشتند که از هنگام انتقال مرجعیت از نجف به قم، تنها در زمان زعامت ایشان بود که مرجعیت مطلق جهان تشیع در یکی از مراجع مقیم ایران متمرکز شد. این مرکزیت به‌طور طبیعی موجب اقتدار و سازماندهی عظیم حوزه‌های قم و سایر شهرهای ایران بر محوری واحد شد. این شرایط در حالی بروز کرد که هنوز صدمات وارده بر نهادهای مذهبی و حوزه‌های علمیه طی دهه‌های قبل از آن، کاملاً جبران نشده بود. در دوران مرجعیت آیت‌الله بروجردی، تحرک سیاسی قاطبه روحانیون و طلاب، بسیار اندک و محدود بود. این امر به دلیل عدم تمایل ایشان به ورود روحانیون در مسائل سیاسی و توجه به بحث و درس و مسائل داخلی حوزه‌ها بود. البته ایشان تحت هر شرایطی به دفاع از طلبه‌ها و روحانیون، حتی مستقیماً در مقابل دستگاه حکومت برمی‌خاست اما مناسبات و مکاتباتی با حکومت داشت و شخص شاه داشت که غالباً برای تثبیت اقتدار حوزه‌ها و پیشگیری از کشمکش‌ها و بحران‌هایی بود که سرانجام نامعلومی داشت. اگرچه در فاصله میان سال ۱۳۲۰ و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲، بنا به پارای دلایل، فشار رژیم بر علما و روحانیون کاهش یافت و آنها موفق به لغو ممنوعیت برگزاری مراسم محرم و پوشش اسلامی برای زنان شدند، لیکن نتوانستند در مقابل افرح چشمگیر نفوذ خارجی‌ان در قالب فرهنگ غربی و کمونیسم و تهدیدات جدی ناشی از آن، کار چندان